

# شهید مزاری

## و دولت-ملت سازی در افغانستان

✍ محمد قاسم محسنی

یا معنوی در این افراد جامعه احیاء نشود، بعید است که ملت واحد و مستقلی در افغانستان شکل بگیرد. شهید مزاری به این نقطه واقف بود و می خواست از طریق رعایت حقوق برابر افراد در جامعه، عرصه را برای ایجاد ملت واحد، انسجام ملی و تأمین حقوق شهروندی آماده کند و ملتی را به وجود بیاورد که در آن تفاوت های زبانی و نژادی مطرح نباشد و هیچ یک از اقوام افغانستان هیچگونه خصومت و دشمنی را با اقوام دیگر نداشته باشد و پشتون ها را برادرش بداند و ازبک ها را برادرش بداند و هزاره را برادرش بداند، همین طور بلوچ و نورستانی و باقی اقوام افغانستان، این ها برادرند، این ها در یک خانه مشترک زندگی میکنند، دست به دست هم بدهند و مشترکاً این خانه خراب و جنگ زده خودشان را بسازند و بر این جهت از گذشته کرده، حالا امیدوار هستیم که خصومت ها کم شده و به سوی وحدت ملی پیش می رود.»<sup>(۱)</sup>

اظهار چنین دیدگاههایی نشان میدهد که شهید مزاری با درک درست از دردهای تاریخی جامعه افغانستان به سرنوشت مشترک میاندیشید و باورمند بود. اگر ما خواسته باشیم سرزمین آباد و متحد و یک پارچه داشته باشیم، باید «منطق اصالت

شهید مزاری از جمله رهبران دردمند سیاسی جامعه ما بود که با منش و رفتار خود به توسعه سیاسی در چوکات دولت و ملت واحد افغانستان همت گماشت و بر این باور بود که با کتمان هویت سیاسی و اجتماعی برخی اقوام نمی توان مشکل این کشور را حل کرد. به عقیده او، افغانستان در صورتی میتواند امنیت و آرامش را به آغوش کشیده و به سوی دنیای جدید، رفاه و آسایش و پیشرفت علم و دانش قدم بردارد که مردم این کشور به وحدت ملی برسند و هویت سیاسی یکدیگر را کتمان نکنند و «کلیه ملیت های مسلمان این سرزمین اعم از پشتون، تاجیک، هزاره، ازبک، ترکمن، قزلباش و... هویت سیاسی داشته باشند و با توافق و شرکت آن ها حکومت آینده کشور ساماندهی شود.»<sup>(۱)</sup>

ملت واحد و مبتنی بر عدالت اجتماعی در هر جامعه، یک ضرورت است و زمانی تحقق مییابد که افراد آن جامعه به اراده مشترک رسیده و احساس تعلق به سرزمین واحد و مشترکات تاریخی، فرهنگی و سنتی، آنان را گرد هم آورده باشد. تا زمانی که روحیه همگرایی و باور به زندگی مشترک و احترام به شخصیت حقیقی و حقوقی یکدیگر، به خاطر عوامل حقیقی و

۱ . مجموعه مصاحبه های استاد مزاری، فریاد عدالت، به کوشش عبدالغفار لعلی، موسسه فرهنگی تحقیقاتی و آموزشی شهید سجادی، قم، ۳۱۳۱، ص ۱۱۹.  
۲ . مجموعه مصاحبه های استاد مزاری، فریاد عدالت، به کوشش عبدالغفار لعلی، موسسه فرهنگی تحقیقاتی و آموزشی شهید سجادی، قم، ۳۱۳۱، ص ۳۱۳

”

در مسائل کلان سیاسی که اغلب نخبگان سیاسی و اجتماعی نقش برجسته دارند، با اراده جدی خود می‌توانند در جامعه جنگ زده‌ای چون افغانستان، صلح ایجاد کنند و با پایبندی به مفاد صلح از طریق گفت‌وگو و جست‌وجوی راه حل منطقی، به نزاع‌ها پایان داده، زندگی مسالمت‌آمیز را برای شهروندان به ارمغان آورند.

“

زور و حکومتیایی که می‌خواهند با زور بر مردم حکومت کنند نابود شود.»<sup>(۱)</sup>، چون مقتضای حاکمیت سلطه و زور با ایجاد آشوب و افزایش تنش‌های قومی و منطقه‌ای در بین افراد جامعه است، تا بدین واسطه بتواند چند روزی بر حیات سیاسی خود ادامه دهد؛ اما با از بین رفتن منطق زور، فشارهای اجتماعی قهراً کاهش می‌یابد و در نتیجه این فرصت برای اقوام مختلف پیش می‌آید که بر طبق لیاقت و شایستگی در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... حضوری مشترک و فعال پیدا کنند. حضور مشترک اقوام در نهادهای سیاسی و اجتماعی حداقل این دستاورد را به همراه دارد که احساس همبستگی و پیوندهای اجتماعی افراد در جامعه افزایش پیدا کرده و هسته اولیه ملت و دولت متمرکز با هدف تأمین امنیت و حفظ منافع ملی شکل بگیرد.

شهید مزاری با ارائه طرح ملیت‌های برادر در افغانستان، مفهوم تئوری ملت‌سازی در این کشور را توسعه داد و می‌خواست با ایجاد ملت واحد و یک پارچه، دروازه تمدن، پیشرفت، توسعه سیاسی و دموکراسی را به روی افغانستان باز کند. روی این جهت با عواملی که تنش در کشور را افزایش می‌داد و به وحدت ملی و عدالت اجتماعی صدمه وارد میکرد، شدیداً مخالف بود و باور داشت که این‌گونه مسائل جلو پیشرفت کشور را میگیرد و لذا به طور شفاف و روشن اعلان کرد: «حزب وحدت اسلامی از هر طرحی که منجر به عدالت اجتماعی در جامعه افغانستان گردد و حقوق ملیت‌های محروم را اعاده کند استقبال میکند. برای ما مهم نیست که

لویه‌جرگه تشکیل شود و یا مجلس ملی، مهم این است که حقوق مردم در نظر گرفته شده، به تناسب حضور و میزان جمعیت‌شان در تصمیم‌گیری‌ها سهیم باشند.»<sup>(۲)</sup> این دیدگاه ایشان زیر ساخت‌های اولیه ملت‌سازی در افغانستان را که برخورداری افراد از حقوق عادلانه در جامعه باشد پی‌ریزی میکند. شهید مزاری تنها به ارائه نظرات اصلاح‌گرایانه خود در این جهت بسنده نکرده و بلکه خود عملاً راه کارهایی را برای رسیدن به ملت واحد و انسجام ملی دنبال کرد و مادر این جا به برخی از آن‌ها اشاره میکنیم:

۱. همبستگی ملی: وفاق و همگرایی ملی مهم‌ترین عنصر در پیدایش ملت واحد، همبستگی اقوام و ایجاد ساختار سیاسی عادلانه به شمار می‌آید. یک ملت وقتی میتواند ظهور مؤثر و قدرتمند در سطح جهانی داشته باشد که گرایش‌های قومی، زبانی و منطقی را مهار کرده و به تفاهم و تعامل کامل رسیده باشد. البته وجود یک چنین ملت متحد و یک پارچه همان‌گونه که در رفع منازعات داخلی مؤثر است، برای دشمنان خارجی و مخالفان وحدت ملی آن کشور نیز نگران‌کننده است؛ لذا برخی عناصر خارجی و داخلی سعی کرده‌اند که ملت‌سازی در افغانستان بر مبنای واقعیت‌های موجود در جامعه زیر سؤال برده و با استفاده سوء از ترکیب اقوام و بافت اجتماعی این کشور به جای «برادری ملیت‌ها»، «دشمنی ملیت‌ها» را مطرح کنند. شهید مزاری به این نقطه واقف بود و با آگاهی کامل از توطئه دشمنان مردم افغانستان و پیامدهای مخرب نفاق ملی، اصالت وحدت ملی را در سطح ملی و گروه‌های سیاسی مطرح کرد و

۱. منشور برادری، به یاد رهبر شهید بابه مزاری، سال ۱۳۳۹، ص ۱۳۳.

۲. منشور برادری، به یاد رهبر شهید بابه مزاری، سال ۱۳۹۳، ص ۱۳۴.

”

«هیچ نژادی را نمی‌خواهیم نفی کنیم، ترکمن است، هزاره است، تاجیک است، افغان (پشتون) است، ایماق است و دیگر اقوام هستند همه آن‌ها بیایند در این مملکت برادروار زندگی کنند و هرکس به حقوق‌شان برسند و هرکس درباره سرنوشت خودش تصمیم بگیرد، این حرف ما است. اگر کسی بیاید و نژاد خود را حاکم بسازد، دیگران را نفی بکند، این فاشیستی است، این خلاف رسوم بین‌المللی است.»

“

جامعه ما از دلبستگی‌های نژادی و گروهی خود دست برندارند، محال است که وحدت ملی و یک ساختار سیاسی فراگیر و فراقومی و فراجناحی در افغانستان به وجود آید. برای اساس رهبران سیاسی و حقوق‌دانان جامعه ما باید توجه داشته باشند که، «حکومت را باید با سعه صدر تشکیل دهند، تا هم مردم خود را شریک آن بدانند و هم برای تحکیم پایه‌های آن تلاش کنند و این ممکن نیست مگر این‌که از قالب‌های محدود حزبی بیرون رفته و روی منافع و مصالح ملی تفکر صورت گرفته و تصمیم گرفته شود.»<sup>(۱)</sup>

۲. مشارکت در نظام سیاسی کشور: مردم‌شناسان و صاحب‌نظران مسائل افغانستان بر این عقیده‌اند که این کشور به علت تلاقی اقوام گوناگون در طول تاریخ، اقوام و نژادهای زیادی را به خود جای داده است. بدون شک افغانستان امروزه یکی از نادر کشورهای است که ملیت‌های کثیری در آن زندگی میکنند؛ ولیکن روابط بین این‌ها همواره در طول تاریخ در نوسان و بعضاً خصمانه بوده است.

اگرچه مردم افغانستان مشترکات فراوان دارند و اسلام به عنوان دین اکثریت مردم جایگاه ویژه‌ای در جامعه سنتی و قبایلی این کشور دارد؛ ولی آن‌گونه که از این اشتراکات دینی و فرهنگی برای وحدت و انسجام افراد جامعه استفاده می‌گردید، بهره‌برداری نشده است. بدین لحاظ مفاهیم همچون: سرنوشت مشترک، زندگی برادرانه، مشارکت سیاسی

گفت: «ما با همه تنظیم‌ها سرچنگ نداریم، دوست هستیم، با همه ملت‌ها سردشمنی نداریم و دوست هستیم و وحدت ملی را ما در افغانستان یک اصل می‌دانیم.»<sup>(۱)</sup>

شهید مزاری می‌خواهد بگوید نفاق ملی فاجعه بزرگی است و باید ریشه‌های آن را که سابقه طولانی در جامعه دارد، خشکاند و ملت جدیدی را بر پایه برادری و مشارکت سیاسی، فرهنگی و اقتصادی اقوام ساکن در کشور به وجود آورد.

در حوزه ملت‌سازی شهید مزاری، تفکر و اندیشه فراقومی و فراجناحی را دنبال میکرد و لذا روی واژه‌های؛ «حکومت ملی»، «عزت و کرامت ملی»، «منافع ملی»، «رعایت حقوق ملیت‌ها»، «عدالت اجتماعی» و... اصرار داشت. چون می‌دانست که این واژگان علاوه بر بار معنوی و مادی‌ای که دارد، در بطن‌شان اندیشه سیاسی نهفته است که میتواند بستر خیزش دموکراسی و روی کار آمدن یک حکومت ملی در افغانستان شود؛ زیرا او به این واقعیت پی برده بود که «امروز جامعه ملی در بین تمام گروه‌های انسانی از همه محکم‌تر است، بدین معنی که در صورت وجود تعارض بین همبستگی چند گروه اجتماعی، علایق ملی بر دیگران فایق آمد.»<sup>(۲)</sup>

شهید مزاری، اختلاف و نفاق ملی را مانع عمده در راه ایجاد ملت واحد، توسعه سیاسی و گسترش علایق ملی میدانست و معتقد بود، تا زمانی که نخبگان سیاسی

۱. احیای هویت، مجموعه سخنرانی‌های استاد شهید، تهیه و تنظیم: مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، انتشارات سراج، قم، سال ۱۳۷۴، ص ۳۴۴.

۲. احیای هویت، مجموعه سخنرانی‌های استاد شهید، تهیه و تنظیم: مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، انتشارات سراج، قم، سال ۱۳۷۴، ص ۳۴۴.

۳. مجموعه مصاحبه‌های استاد مزاری، فریاد عدالت، به کوشش عبدالغفار لعلی، موسسه فرهنگی تحقیقاتی و آموزشی شهید سجادی، قم، ۱۳۳۱، ص ۳۱۳.

کرد و گفت: «هر ملیتی به تناسب واقعیت وجودی و حضور خود در این کشور در سرنوشت سیاسی خود سهیم باشند.»<sup>(۱)</sup> کنار نهادن مسائل اختلاف برانگیز: مردم افغانستان در طول تاریخ گذشته با جنگ‌های داخلی و تجاوزات خارجی درگیر بوده است. عده‌ای از دشمنان خارجی مردم افغانستان همواره در این فکر بوده‌اند که با حاد کردن مسائل نژادی، زبانی، منطقه‌ای و مذهبی، نگذارند که اقوام ساکن در این کشور به وحدت و انسجام ملی دست یابند؛ زیرا این مسئله را به ضرر و منفعت ملی شان تلقی می‌کردند. شهید مزاری، به ظلمی که از این ناحیه بر مردم افغانستان رفته بود، رنج می‌برد و می‌خواست در این کشور وضعیت و فضای به وجود آید که دیگر، دست‌های خارجی و مسائل اختلاف برانگیز دیگر نتواند جلو پیوندهای عمیق تاریخی، فرهنگی و دینی مردم این کشور را که سبب پیدایش ملت واحد و یک پارچه میشود، بگیرد. ایشان با آگاهی کامل از خطرات و پیامدهای منفی عوامل اختلاف برانگیز در آینده، سعی داشت تا جلوان گونه مسائل را سد کند و برای هیچ کسی اجازه ندهد تا در بین مردم افغانستان تفرقه ایجاد نماید. «هرکس بیاید در بین شما، مسئله گروه، قوم، نژاد، تفرقه را تبلیغ بکند، جلو او را بگیرید.»<sup>(۲)</sup> «من هیچ وقت نه شیعه گفتم و نه سنی، نه بعد از این هم می‌گویم، چون شیعه، سنی و این مسائل بازی است.»<sup>(۳)</sup> در اسلام نه هزاره مطرح است، نه پشتون، نه ازبک مطرح است، نه تاجیک مطرح است، فقط در اسلام مسئله لا اله الا الله و تقوا مطرح است.»<sup>(۴)</sup>

شهید مزاری در صدد این بود تا ملت‌سازی در افغانستان با نگرش نو و تحکیم پایه‌های وحدت ملی و عادلانه تحقق پذیرد و بر مبنای آن، «جامعه‌های به وجود آید که در آن از تبعیض، برتری‌گری، تفاخر و افزون‌خواهی خبری نباشد و کلیه مردم افغانستان از هر قوم و نژاد و با هر رنگ و زبان برادرانه و برابر زندگی کنند.»<sup>(۵)</sup>

و ایجاد ملت واحد و... نه تنها برای اکثریت افراد این کشور ناشناخته باقی مانده‌اند؛ بلکه تعدد اقوام و گروه‌های نژادی باعث شد تا زمینه برای انحصارگرایی و برخوردهای خصمانه در جامعه فراهم شود.

شهید مزاری نهایت سعی خود را به کار برد تا برای تمام مردم افغانستان بفهماند که ما تاریخ، فرهنگ، ملیت و سرنوشت مشترک داریم و این مشترکات اقتضا دارد تا در کنار هم زندگی مسالمت‌آمیز و برادرانه داشته باشیم؛ یعنی در آینده کسی به خاطر تعلق داشتن به قوم خاصی مورد ستم و بی‌مهری قرار نگیرد و همانند دیگران از حقوق برابر و هویت ملی و سیاسی یکسان برخوردار باشد؛ یعنی ملتی در افغانستان شکل بگیرد تا ضمن بهره‌مندی از آزادی‌های اجتماعی، سیاسی، فردی و اجتماعی مبتنی بر دو ویژگی باشد:

۱. هیچ یک از گروه‌های قومی احساس نکنند که از ساختار سیاسی آینده حذف شده‌اند، روی همین جهت در شرایطی که بسیاری از گروه‌های مجاهدین بعد از پیروزی بر حکومت نجیب‌الله در سال ۱۳۷۱، مایل نبودند تا جنبش ملی اسلامی در دولت آینده حضور داشته باشد؛ ولی شهید مزاری قاطعانه از حقوق سیاسی جنبش حمایت کرد و گفت: «جنبش ملی اسلامی یک واقعیت نیرومند در جامعه افغانستان است و از بخش عظیمی از مردم ساکن در کشور نمایندگی می‌کند؛ لذا هر طرحی که در زمینه حذف جنبش از روند مذاکره و تصمیم‌گیری‌های اساسی که مربوط به آینده کشور باشد، منجر به شکست خواهد گردید.»<sup>(۱)</sup>

۲. حضور و مشارکت در نظام سیاسی آینده باید بر اساس واقعیت‌های موجود در کشور صورت بگیرد. کسی و یا کسانی خیال نکنند حقوق و امتیازاتی در خور شأن برای آن‌ها در نظر گرفته نشده است. شهید مزاری، میزان نفوس اقوام و تناسب وجود فیزیکی آن‌ها را به عنوان یک راه‌حل در این زمینه مطرح

۱. منشور برادری، به یاد رهبر شهید بابه مزاری، سال ۳۱۳۹، ص ۱۳۳.
۲. مجموعه مصاحبه‌های استاد مزاری، فریاد عدالت، به کوشش عبدالغفار لعلی، موسسه فرهنگی تحقیقاتی و آموزشی شهید سجادی، قم، ۳۱۳۱، ص ۲۵.
۳. احیای هویت، مجموعه سخنرانی‌های استاد شهید، تهیه و تنظیم: مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، انتشارات سراج، قم، سال ۳۱۳۴، ص ۴۹.
۴. منشور برادری، به یاد رهبر شهید بابه مزاری، سال ۳۱۳۹، ص ۳۳۴.
۵. منشور برادری، به یاد رهبر شهید بابه مزاری، سال ۳۱۳۹، ص ۳۲.
۶. مجموعه مصاحبه‌های استاد مزاری، فریاد عدالت، به کوشش عبدالغفار لعلی.